



## یادداشت

بنزین در ایران امروز یعنی نان

صادق کار



پس از اعلام تصمیم دولت به گران کردن بنزین بحث و جدل گسترده‌ای هم در درون جامعه و نیز در میان جریانات حکومتی به راه افتاده است.

در جامعه تقریباً اکثریت قریب به اتفاق مردم با افزایش قیمت بنزین به دلیل تاثیر منفی آن روی کار و زندگی شان و بیشتر از همه ۸ میلیون نفری که کلاً یا بخشاً مخارج اولیه زندگی شان را با مسافرکشی تامین می کنند به شدت با گران شدن بنزین مخالف اند و نمی دانند بعد از گران شدن بنزین چه بلایی بر سر معیشت شان می آید.

باید توجه داشت که شمار این ۸ میلیون نفر با احتساب خانواده ها و نان خورهایشان به تنهایی سر به ده ها میلیون نفر می زند.

قطعا گران کردن بنزین در شرایطی که تورم و گرانی هزینه های زندگی هر روز رکورد تازه ای بجا می گذارد به افزایش گرانی و تورم شتاب خواهد داد و تامین نان خالی را برای خانواده هایی که هم اکنون نیز با مشکل تامین نان دست و پنجه نرم می کنند، بسیار دشوارتر خواهد کرد و به اعتراض و نارضایتی فزاینده ای که هم اکنون نیز در کشور جاری است دامن خواهد زد و چشم انداز شورش برای نان را در مقابل جامعه قرار خواهد داد.

درست به واسطه همین نگرانی است که عده ای در درون خود حکومت که نگران شورش و پیامدهای آن هستند، با افزایش قیمت بنزین مخالفت می کنند و عده دیگری به دلیل وجود شرایط جنگی آنرا بی موقع و با آن مخالفت می ورزند. و عده ای امثال رئیس جنایتکار دستگاه ستمگر قضایی که هیچ راه حلی به غیر از زندان و اعدام نمیشناسند با تهدید و ارباب و تشدید فضای امنیتی و چسباندن معترضان به قدرت های خارجی وعده سرکوب آن را می دهند.



جوهر مجادلات درون حکومتی نشان می دهد که هیچ کدام از جریانات از اساس مخالف گران کردن بنزین مخالف نیستند و اختلافاتشان ناظر بر اولویتهایشان است.

گمان نمی کنم که کسی در اینکه دولت پزشکیان از آغاز کارش تا کنون کوشیده است با بکار گرفتن سیاستهای شوک درمانی هزینه های زندگی را با سرعتی کم نظیر افزایش داده و با جیب بری از مردم هزینه های دولت را تامین نموده است شک و شبهه ای داشته باشد.

افراط گری های دولت پزشکیان به حدی است که صدای یکی از مقامات اقتصادی پیشین طرفدار بازار و سیاست گزاران کنونی اتاق بازرگانی را در آورده است. او اخیرا در انتقاد از سیاستهای پزشکیان او را به تندروی متهم کرد و گفت "پزشکیان که در گذشته به حرفهای ما توجه نمیکرد، اینکه در پیشبرد نظرات ما دارد تندروی می کند. (نقل به معنی).

پزشکیان برای توجیه افزایش قیمت بنزین به لیتری ده هزار تومان به نرخ بنزین در کشورهای همسایه و قیاس آن در ایران استناد می کند قیاس او اما یک جانبه و مع الفارق است. مسلم است که این را نمی شود به حساب بی اطلاعی او و دولت اش قرار داد. این یک فریبکاری تبلیغاتی است برای منحرف کردن اذهان مردم که البته مانع از پیامدهای اجتماعی و سیاسی گرانی بنزین نمی شود. مردم وضعیت خود را با مجموع شرایط زندگی مردم این کشورها مقایسه می کنند و از آن نتیجه گیری می کنند .

در کشورهای مورد اشاره پزشکیان شاید همه چیز ایده آل نباشد اما یک تناسب نسبی میان درآمد و هزینه ها وجود دارد، در هیچ یک نان ۸ میلیون مسافر کش که مجبور به این کار شده باشند وجود ندارد. بیکاری به اندازه ایران گسترده نیست، شکاف دستمزد و حقوق و درآمدها با هزینه ها و تورم مانند ایران این همه ژرف نیست، تورم سه رقمی در آنها وجود ندارد، حداقل دستمزد شاغلان معادل یک چهارم هزینه های حداقل زندگی نیست و دولتها مانند دولت ایران دستمزدها را بجای افزایش هر ساله کاهش نمی دهند.

دولت اما همه ی این ها را نادیده می گیرد. مخالفت با گرانی بنزین از آن جهت صورت می گیرد که هیچ تناسبی میان هزینه ها و درآمدها نیست. اعتراضات همه روزه کارگران، معلمان، پرستاران، کارکنان دولت ، بازنشستگان و حتی نیروی انتظامی با امتناع و سرکوب و تهدید پاسخ داده می شود.

وزیر کار دولت از افزایش دستمزدها طفره می رود، یارانه ها حذف می شوند، نان گران می شود، تورم سه رقمی شده است و همچنان در مسیر رشد سیر می کند، ارزش پول ملی بصورت روزانه کاهش پیدا می کند.

افزایش قیمت بنزین در چنین شرایطی از نظر مردم بویژه آنهایی که شغل و معیشت شان با قیمت بنزین بیش از سایرین گره خورده است، به منزله محروم کردن آنها از نان است. چنین افزایشی به وخامت بیشتر وضعیت معیشتی دامن خواهد زد و میلیونها نفر دیگر را به زیر خط فقر مطلق خواهد راند. در این صورت زمینه شورش گرسنگان تسریع خواهد شد و بساط بگیر و بکش که رئیس دستگاه قضایی پیشاپیش وعده اش را داده بهتر خواهد شد.



مردم سرشان برای شورش درد نمی کند، این حکومت است که شرایط شورشها را با ستمگری و سیاستهای خود فراهم می کند. اکثر آگاهان سیاسی شورش های کور را به منزله راهکار مفید برای نجات از فقر و استبداد و رسیدن به اهداف مد نظر شورش کنندگان نمی دانند. آسیب های شورش بیشتر از اینکه شورشگران را به اهدافشان نزدیک کند، دور می نماید و فضا را برای سرکوب حکومت و سئو استفاده دشمنان خارجی از آن برای تجاوز فراهم می کند. بدیل شورش سازماندهی ظرفیت های مدنی و سیاسی و بالا بردن توان و ظرفیت آنها برای فراهم کردن زمینه های لازم جهت برچیدن بساط فقر و استبداد و ایجاد رفاه و آزادی است. حکومت نیز این را می داند، که به آن راحتی که میتواند شورش ها را سرکوب نماید قادر نخواهد شد نهاد ها مدنی را سرکوب و بی اثر سازد. به همین دلیل است که با تشدید سرکوب فعالان نهاد های مدنی و سندیکایی مختلف که بعد از سرکوب جنبش دی شاهد آن هستیم تلاش می کند مانع فعالیت و گسترش آنها شود. حکومت در سایه سرکوب و تضعیف نهادهای سیاسی و مدنی و پراکندگی اعتراضات است که توانسته است با پهن کردن بساط استبداد، سرکوب، تبعیض و غارت ثروت و درآمد های کشور فقر و فلاکت را بر کشور حاکم کند و ایران را تبدیل به یک زندان بزرگ نماید

**متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد!**

**همه با هم برای پایان دادن به جنگ، برقراری صلح، رفاه و آزادی متحدانه مبارزه کنیم!**

بی ثباتان - بخش ششم

گای استندینگ



تعریف پریکاریات - ادامه

به طور کلی هرچند طبقات پیشین در بخشهایی از جهان همچنان پابرجا هستند، می توانیم هفت گروه را از یکدیگر متمایز کنیم. در رأس، "نخبگان" قرار دارند: گروهی بسیار کوچک از شهروندان جهانی که به شکلی



باورنکردنی ثروتمند اند و با میلیاردها دلار ثروت خود بر جهان حکم می رانند. نامشان در فهرست فوربس، در شمار بزرگان و نیکوکاران، دیده می شود؛ می توانند بر دولتهای سراسر جهان تأثیر بگذارند و می گذارند، و در اقدامات بشردوستانه بسیار سخاوتمندانه شرکت کنند.

پس از نخبگان، حقوق بگیران قرار دارند (نویسنده از اصطلاح "سالاریات" Salarial استفاده کرده است، که به نظر می رسد به قیاس با پرولتاریا و پریکاریا، ساخته خود او باشد): کسانی که همچنان از اشتغال تمام وقت و باثبات برخوردارند. برخی شان امیدوارند روزی به جمع نخبگان بپیوندند، اما اکثر آنها صرفاً از امتیازات و مزایای این جایگاه برخوردارند؛ از جمله مستمری بازنشستگی، مرخصی با حقوق و مزایای شغلی، که اغلب بخشی از هزینه آنها را دولت تأمین می کند. حقوق بگیران عمدتاً در شرکتهای بزرگ، سازمانهای دولتی و دستگاه های اداری عمومی، از جمله خدمات کشوری، متمرکز اند.

در کنار حقوق بگیران، و به جهات متعددی، گروهی، فعلاً کوچکتر از آنان قرار دارد که من آنها را پروفیسینها را می نامم. این اصطلاح ترکیبی است از مفاهیم سنتی "پروفشنال" (حرفه ای) و "تکنسین". این گروه کسانی را دربرمی گیرد که مجموعه ای از مهارت ها را در اختیار دارند و می توانند آنها را در بازار عرضه کنند و از طریق قرارداد، به عنوان مشاور یا به صورت خویش فرمای مستقل، درآمدهای بالایی کسب کنند. پروفیسینها معادل دهقانان آزاد، شوالیه ها و ملازمان در قرون وسطی اند. آنان با این انتظار و تمایل زندگی می کنند که جایجا شوند، بی آن که انگیزه ای برای اشتغال بلندمدت و تمام وقت در یک شرکت ثابت داشته باشند". برای آنها مناسبات کاری استاندارد وجود ندارد.

پائینتر از پروفیسینها از نظر درآمد "هسته" کاهنده ای از کارکنان یدی قرار دارد؛ یعنی جوهر همان طبقه کارگر قدیم. دولتهای رفاه با منظورداشت این گروه ساخته شدند، و نظامهای تنظیم مناسبات کار نیز بر همین اساس شکل گرفتند. اما گردانهای کارگران صنعتی که جنبشهای کارگری را شکل می دادند، تحلیل رفته اند و احساس همبستگی اجتماعی خود را از دست داده اند.

در زیر این چهار گروه بی ثباتان رو به رشد قرار دارند که از یک سو ارتشی از بیکاران و از سوی دیگر گروهی جدا افتاده از افراد ناسازگار و دچار نابسامانی اجتماعی آن را دربرمی گیرند؛ افرادی که از ته مانده های جامعه امرار معاش می کنند. ویژگیهای این ساختار طبقاتی چندپاره در جای دیگری بررسی شده اند. آنچه در اینجا می خواهیم شناسایی کنیم، بی ثباتان اند.

معمول این است که جامعه شناسان در فهم اشکال قشر بندی جوامع در چارچوب تعریف ماکس وبر - منطلت به عنوان بنیان طبقه - می اندیشند؛ در این چارچوب، طبقه به روابط اجتماعی تولید و جایگاه فرد در فرایند کار اشاره دارد. (Weber, [1922] 1968) در بازارهای کار، گذشته از کارفرمایان و خویش فرمایان، تمایز اصلی میان کارگران مزدی و کارکنان حقوق بگیر بوده است. گروه نخست شامل عرضه کنندگان نیروی کار بر مبنای دستمزد قطعه ای یا زمانی است که تصویری از رابطه «پول در برابر تلاش» را تداعی می کند؛ در حالی که گروه دوم ظاهراً در ازای اعتماد و جبران خدمات خود پاداش می گیرند (Goldthorpe, 2007, Vol. 2, Ch. 5; McGovern, Hill and Mills, 2008, Ch. 3). همواره انتظار می رفته است که حقوق بگیران به مدیران، رؤسا و



مالکان نزدیک‌تر باشند، در حالی که کارگران مزدی ذاتاً بیگانه‌شده تلقی می‌شوند و به انضباط، تابعیت و ترکیبی از مشوق‌ها و مجازات‌ها نیاز دارند.

برخلاف مفهوم طبقه، مفهوم منزلت با شغل فرد ارتباط پیدا کرده است؛ به این معنا که مشاغل دارای منزلت بالاتر، مشاغلی هستند که به خدمات حرفه‌ای، مدیریت و اداره امور نزدیک‌ترند (Goldthorpe, 2009). مشکل اینجاست که در بیشتر مشاغل، تقسیم‌بندی‌ها و سلسله‌مراتب‌هایی وجود دارد که مستلزم منزلت‌های بسیار متفاوتی هستند.

در هر حال، هنگامی که به پریکریات می‌پردازیم، تقسیم‌بندی میان کار مزدی و کارکنان حقوق‌بگیر، و نیز تصویری که بر اساس شغل شکل گرفته‌اند، دیگر کارایی خود را از دست می‌دهند. پریکریات دارای ویژگی‌های طبقاتی است. این گروه از افرادی تشکیل شده است که روابط مبتنی بر اعتماد با سرمایه یا دولت در حداقل ممکن قرار دارد و از این جهت کاملاً با حقوق‌بگیران متفاوت است. همچنین هیچ‌یک از روابط ناشی از قرارداد اجتماعی طبقه کارگر را ندارد؛ قراردادی که بر اساس آن، امنیت‌های شغلی و اجتماعی در ازای تابعیت و وفاداری مشروط به کارگران عرضه می‌شد و توافق نانوشته‌ای بود که دولت‌های رفاه بر آن استوار بودند.

هنگامی که دیگر معامله‌ای مبتنی بر اعتماد یا امنیت در ازای تابعیت وجود نداشته باشد، پریکریات از نظر طبقاتی گروهی متمایز خواهد بود. این گروه همچنین از نظر منزلت جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا به‌سادگی در قالب مشاغل حرفه‌ای با منزلت بالا یا مشاغل فنی و مهارتی با منزلت متوسط جای نمی‌گیرد. می‌توان این وضعیت را چنین بیان کرد که پریکریات از «منزلت ناقص» برخوردار است. و همان‌گونه که خواهیم دید، ساختار «درآمد اجتماعی» آن نیز به‌سادگی با تصورات قدیمی درباره طبقه یا شغل منطبق نمی‌شود.

**از مبارزه کارگران پیمانی برای لغو کار پیمانی و برچیدن قراردادهای موقت حمایت کنیم!**

**بیمه و حقوق هنگام بیکاری برای همه ی کارگران!**

تبارشناسی تاریخی مبارزات و سازمان‌یابی نیروی کار در ایران از اصناف قاجاری تا جنبش کارگری مدرن

فصل اول - بخش دوم

بهروز فدایی



ایران از اصناف قاجاری تا جنبش کارگری مدرن

فصل اول - بخش دوم

بررسی دوره قاجار و نقش انقلاب مشروطه در شکل گیری مبارزات سیاسی، صنفی و کارگری  
وضعیت نوزدهم

سوسیال دموکراسی و ورود ایده‌های کارگری  
در همین دوره، اندیشه‌های سوسیال‌دموکراتیک از مسیر قفقاز وارد ایران شد.  
فعالان ایرانی که با فضای سیاسی قفقاز آشنا شده بودند، مفاهیمی مانند: کارگر؛ اتحادیه؛ اعتصاب؛ عدالت  
اجتماعی سازمان سیاسی و مبارزه طبقاتی را وارد ادبیات سیاسی کردند.  
در جریان مشروطه، گرایش‌های سوسیال‌دموکراتیک نیز شکل گرفتند و سازمان‌هایی مانند «اجتماعیون -  
عامیون» فعالیت کردند. پژوهش‌های مربوط به مشروطه، این جریان را یکی از سه گرایش مهم  
سوسیال‌دموکراتیک آن دوره معرفی می‌کنند.

وضعیت بیستم

روشنفکران و شکل‌گیری آگاهی کارگری  
یک ویژگی مهم تاریخ ایران این است که اندیشه کارگری پیش از شکل‌گیری کامل طبقه کارگر صنعتی وارد  
ایران شد.

یعنی روشنفکران و فعالان سیاسی درباره: حقوق کارگر، عدالت اجتماعی، سیالیسم؛ اتحادیه و استثمار  
سخن می‌گفتند، در حالی که تعداد کارگران صنعتی هنوز محدود بود.

این پدیده در تاریخ بعدی ایران نیز تکرار شد.

وضعیت بیست‌ویکم

انقلاب مشروطه و زنان

زنان نیز در جنبش مشروطه نقش داشتند.

انجمن‌های زنان، فعالیت‌های خیریه، تحصن‌ها، جمع‌آوری کمک مالی و فعالیت‌های سیاسی بخشی از این  
حضور بودند.

اگرچه زنان هنوز به شکل گسترده وارد بازار کار صنعتی نشده بودند، اما تجربه انجمن‌سازی زنان اهمیت  
زیادی داشت.

این تجربه بعدها برای: جنبش زنان کارگر و مطالبات حقوقی، اجتماعی زنان شاغل زمینه فرهنگی و



سیاسی ایجاد کرد.  
وضعیت بیست و دوم  
قانون اساسی و محدودیت آن برای کارگران  
قانون اساسی مشروطه دستاورد بزرگی بود اما قانون اساسی اولیه یک قانون کار نبود.  
یعنی: حداقل دستمزد؛ ساعت کار؛ بیمه؛ ایمنی کار، قرارداد جمعی و حقوق مشخص اتحادیه‌ای در آن به شکل نظام‌مند مطرح نشده بود.  
اهمیت قانون اساسی برای کارگران بیشتر سیاسی و حقوقی بود؛ ایجاد مجلس، حکومت قانون و محدود کردن قدرت مطلقه.  
بنابراین مشروطه؛ شرایط سیاسی سازمان‌یابی را تا حدی تغییر داد، اما مسئله حقوق اجتماعی کارگر را حل نکرد.  
وضعیت بیست و سوم  
مقاومت استبداد در برابر مشروطه  
پیروزی مشروطه قطعی و دائمی نبود. محمدعلی‌شاه در سال ۱۹۰۸ مجلس را به توپ بست و دوره‌ای از استبداد صغیر آغاز شد.  
انقلاب دوباره وارد مرحله مسلحانه شد و در سال ۱۹۰۹ مشروطه خواهان تهران را فتح کردند و نظام مشروطه را احیا کردند.  
این تجربه برای جنبش‌های اجتماعی یک درس مهم داشت،  
به دست آوردن قانون، با تثبیت آن قانون یکسان نیست »  
وضعیت بیست و چهارم  
سرکوب و پراکندگی  
پس از پیروزی اولیه مشروطه، مشکلات اقتصادی، مداخلات روسیه و بریتانیا، اختلافات سیاسی و ضعف دولت مرکزی ادامه یافت در نهایت در سال ۱۹۱۱ فشار خارجی و بحران سیاسی به انحلال مجلس دوم انجامید.  
در نتیجه، بسیاری از امیدهای اولیه مشروطه تحقق کامل پیدا نکرد. این شکست بر نسل‌های بعدی فعالان سیاسی و کارگری تأثیر گذاشت.  
وضعیت بیست و پنجم  
نفت؛ ورود یک نیروی کار جدید  
یکی از مهم‌ترین تحولات اواخر قاجار، کشف نفت و اعطای امتیاز داری در ۱۹۰۱ بود.  
این امتیاز بعدها پایه تشکیل شرکت نفت انگلیس و ایران شد.  
اهمیت تاریخی نفت برای جنبش کارگری بسیار فراتر از خود صنعت بود.  
نفت: تمرکز عظیم کارگر + سرمایه خارجی + تولید استراتژی + قدرت دولت را در یک نقطه جمع کرد.  
این ترکیب بعدها کارگران نفت را به یکی از نیرومندترین بخش‌های طبقه کارگر ایران تبدیل کرد.  
وضعیت بیست و ششم



پایان قاجار؛ جامعه‌ای که دیگر همان جامعه آغاز قرن نبود در پایان دوره قاجار، ایران هنوز کشوری عمدتاً روستایی و کم‌صنعت بود. اما تغییرات بنیادی اتفاق افتاده بود؛ سرمایه تجاری رشد کرده بود؛ تجارت خارجی گسترش یافته بود کار مزدبگیری افزایش یافته بود صنایع جدید ایجاد شده بودند نفت وارد اقتصاد شده بود چاپ و مطبوعات توسعه یافته بودند اتحادیه‌های اولیه پدیدار شده بودند اعتصاب وارد فرهنگ شده بود انجمن‌های سیاسی شکل گرفته بودند و مفهوم «حق» به بخش مهمی از زبان سیاسی جامعه تبدیل شده بود اینها همه عناصر سازنده جنبش کارگری آینده بودند وضعیت بیست و هفتم رهبران و چهره‌های اثرگذار در این دوره نباید همه شخصیت‌های سیاسی را «رهبر کارگری» نامید اما چند گروه و شخصیت در شکل‌گیری محیط سیاسی و اجتماعی جنبش کارگری اثرگذار بودند. ناصرالدین شاه قاجار؛ دوره طولانی سلطنت او با گسترش امتیازات خارجی، توسعه ارتباط با جهان خارج و رشد تدریجی نیروهای اجتماعی جدید همراه بود. مظفرالدین شاه قاجار؛ فرمان مشروطیت در دوره او صادر شد. محمدعلی شاه قاجار؛ در دوره او مجلس به توپ بسته شد و استبداد صغیر شکل گرفت. ستارخان؛ یکی از چهره‌های مهم مقاومت مسلحانه تبریز در دفاع از مشروطه. باقرخان؛ از رهبران مهم مقاومت تبریز و جنبش مشروطه. اما در کنار این چهره‌های شناخته‌شده باید از رهبران گمنام اصناف، چاپگران، پیشه‌وران و کارگران نیز یاد کرد؛ زیرا بخش بزرگی از سازمان‌دهی واقعی جنبش از پایین انجام شد. وضعیت بیست و هشتم دستاوردهای دوره قاجار برای جنبش کارگری اگر کل دوره قاجار را از منظر تاریخ کار بررسی کنیم، می‌توان دستاوردها را چنین خلاصه کرد:

۱. شکل‌گیری هویت صنفی کارگران و پیشه‌وران دریافتند که اتحاد حرفه‌ای قدرت ایجاد می‌کند.
۲. تجربه اقدام جمعی تعطیلی بازار و اقدام مشترک به ابزار فشار تبدیل شد.
۳. تجربه انجمن‌سازی انجمن‌ها امکان سازمان‌یابی سیاسی را فراهم کردند.





۴. پیدایش نخستین اتحادیه‌های کارگری  
به‌ویژه در میان چاپگران.  
۵. ورود اعتصاب به فرهنگ مبارزه  
اعتصاب به تدریج از سطح اعتراض شهری به محیط کار منتقل شد.  
۶. پیوند مبارزه اقتصادی و سیاسی  
کارگران دریافتند که شرایط کار از ساختار قدرت سیاسی جدا نیست.  
۷. ورود اندیشه‌های سوسیال‌دموکراتیک  
مفاهیم جدیدی وارد ادبیات مبارزاتی شدند.  
۸. تجربه ائتلاف اجتماعی  
پیشه‌وران، کارگران، دهقانان، بازاریان و دیگر گروه‌ها در برخی مقاطع در کنار یکدیگر قرار گرفتند.  
وضعیت بیست و نهم  
شکست‌ها و محدودیت‌های تاریخی  
اما این دوره محدودیت‌های جدی داشت.  
طبقه کارگر صنعتی کوچک بود.  
اتحادیه‌ها هنوز شکننده بودند.  
تشکل‌ها فاقد استقلال پایدار بودند.  
بخش بزرگی از نیروی کار روستایی بود.  
اصناف هنوز بر سازمان‌یابی کار مسلط بودند.  
دولت و قدرت‌های خارجی در سیاست ایران مداخله می‌کردند.  
قانون کار وجود نداشت.  
حقوق زنان شاغل تقریباً به رسمیت شناخته نشده بود.  
تشکل مستقل کارگری هنوز نهادینه نشده بود.  
و مهم‌تر از همه مشروطه نتوانست به یک نظام پایدار حقوق اجتماعی برای نیروی کار تبدیل شود.  
وضعیت سی‌ام  
مهم‌ترین نتیجه تاریخی مشروطه  
اگر بخواهیم فقط یک نتیجه را از مشروطه برای تاریخ جنبش کارگری انتخاب کنیم، آن نتیجه این است:  
«مشروطه برای نخستین بار مسئله «حق» و «سازمان‌یابی جمعی» را به یک مسئله عمومی و سیاسی تبدیل کرد».  
پیش از آن، اعتراض پیشه‌ور ممکن بود اعتراض به مالیات، قیمت یا تصمیم یک حاکم باشد.  
پس از مشروطه، اعتراض می‌توانست با مفاهیمی مانند: قانون، نمایندگی، آزادی، انجمن، مجلس و حقوق مردم پیوند بخورد.  
این تغییر در زبان سیاسی، برای نسل‌های بعدی کارگران اهمیت عظیمی داشت  
وضعیت سی و یکم



از مشروطه تا جنبش کارگری دهه ۱۳۲۰  
خط تحول را می‌توان چنین ترسیم کرد:

صنف قاجاری  
اعتراض اقتصادی  
جنبش تنباکو  
انجمن‌های مشروطه  
انجمن‌های صنفی - سیاسی  
نخستین اتحادیه‌های کارگری  
اعتصاب‌های اولیه  
ورود سوسیال دموکراسی  
رشد صنایع جدید  
کارگر نفت و کارگر صنعتی  
اتحادیه‌های گسترده‌تر  
جنبش کارگری دهه ۱۳۲۰  
بنابراین دهه ۱۳۲۰ ناگهان از آسمان فرود نیامد. پشت سر آن بیش از یک قرن تجربه اجتماعی قرار داشت  
وضعیت سی و دوم  
درس تاریخی اول: مبارزه اقتصادی بدون سازمان پایدار نیست  
جنبش تنباکو نشان داد که اعتراض اقتصادی می‌تواند حکومت را وادار به عقب‌نشینی کند اما سازمان پایدار  
چیزی فراتر از یک بسیج مقطعی است.  
این تجربه برای جنبش کارگری بعدی اهمیت داشت:  
«اعتراض می‌تواند آغاز حرکت باشد؛ اما تشکل پایدار حافظ دستاورد است».  
وضعیت سی و سوم  
درس تاریخی دوم: پیوند صنف و سیاست  
مشروطه نشان داد که مسئله نان و مسئله آزادی از یکدیگر جدا نیستند.  
کارگری که برای دستمزد اعتراض می‌کند، ممکن است خیلی زود با مسئله: حق تشکل روبه‌رو شود.  
تشکل کارگری نیز اگر بخواهد از اعضای خود دفاع کند با قانون، دادگاه، دولت و سیاست مواجه خواهد شد.  
بنابراین:  
«مبارزه صنفی و مبارزه سیاسی دو حوزه کاملاً جدا از هم نیستند».  
اما این به معنای حذف مطالبات مشخص اقتصادی به نفع سیاست کلی نیز نیست.  
وضعیت سی و چهارم  
درس تاریخی سوم: ائتلاف اجتماعی  
مشروطه یک جنبش تک‌طبقه‌ای نبود.  
قدرت آن تا حد زیادی از همکاری نیروهای مختلف ناشی شد: اصناف؛ بازاریان؛ روشنفکران؛ روحانیان؛



پیشروان؛ دهقانان و گروه‌های شهری.  
تجربه تاریخی نشان می‌دهد که جنبش‌های اجتماعی زمانی ظرفیت بیشتری برای تغییر دارند که بتوانند:  
منافع مشترک را در میان گروه‌های متفاوت پیدا کنند.  
وضعیت سی و پنجم  
درس تاریخی چهارم: استقلال تشکل  
تجربه اصناف نشان داد که نماینده صنف ممکن است همزمان: نماینده اعضا و واسطه قدرت باشد.  
به همین دلیل، یکی از مسائل اساسی تاریخ کارگری ایران از قاجار تا امروز: استقلال تشکل از دولت و کارفرما بوده است.  
وضعیت سی و ششم  
درس تاریخی پنجم: قانون کافی نیست  
مشروطه قانون اساسی ایجاد کرد.  
اما قانون اساسی به تنهایی نتوانست حقوق اجتماعی و اقتصادی کارگران را تضمین کند.  
از اینجا یک درس تاریخی مهم حاصل می‌شود:  
«وجود قانون با امکان اجرای قانون یکسان نیست».  
و همچنین  
«حق مکتوب بدون سازمان اجتماعی قادر به دفاع از آن، شکننده است».  
وضعیت سی و هفتم  
درس تاریخی ششم: کارگر زمانی قدرت پیدا می‌کند که موقعیت اقتصادی خود را بشناسد  
کارگران چاپخانه به دلیل قرار گرفتن در مرکز گردش اطلاعات، زودتر از بسیاری گروه‌ها ظرفیت سیاسی پیدا کردند.  
کارگران نفت در دهه‌های بعد نیز به دلیل موقعیت استراتژیک صنعت نفت قدرت بسیار بیشتری یافتند.  
بنابراین:  
محل کار فقط محل دریافت دستمزد نیست.  
هر صنعت دارای جایگاه متفاوتی در اقتصاد دارد.  
هرچه کارگران یک بخش برای گردش اقتصاد حیاتی‌تر باشند، ظرفیت بالقوه آنان برای اعمال فشار جمعی بیشتر است.  
وضعیت سی و هشتم  
نتیجه‌گیری نهایی  
دوره قاجار را نباید صرفاً مقدمه‌ای سیاسی بر انقلاب مشروطه دانست.  
این دوره، از منظر تاریخ کار، دوران گذار عظیمی بود:  
از: رعیت به مزدبگیر  
از: پیشرو به کارگر  
از: صنف به انجمن



از: عتراض محلی به جنبش اجتماعی  
از: تعطیلی بازار به اعتصاب  
و از: مطالبه صنفی به مطالبه سیاسی  
در این مسیر، انقلاب مشروطه نقطه عطف بود.  
مشروطه طبقه کارگر صنعتی نیرومندی ایجاد نکرد؛ اما فضای سیاسی، زبان حقوقی و تجربه سازمانی لازم  
برای رشد جنبش کارگری بعدی را به وجود آورد.  
اصناف برای نخستین بار در مقیاس وسیع وارد سیاست شدند؛ انجمن‌های صنفی شکل گرفتند؛ نخستین  
اتحادیه‌های کارگری پدیدار شدند؛ اعتصاب به عنوان ابزار مبارزه وارد محیط کار شد و اندیشه‌های  
سوسیال‌دموکراتیک و عدالت اجتماعی در جامعه انتشار یافتند.  
از این رو، می‌توان جایگاه دوره قاجار را در تاریخ جنبش کارگری ایران چنین خلاصه کرد:  
قاجار، دوره پیدایش زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی کارگر مدرن بود؛  
مشروطه، دوره سیاسی‌شدن و سازمان‌یابی اولیه این نیرو بود؛  
و دهه‌های پس از آن، دوره تبدیل این تجربه‌ها به جنبش کارگری مدرن شد.  
جدول جمع‌بندی  
مؤلفه | دوره قاجار | انقلاب مشروطه  
ساختار اصلی کار | پیشه‌وری و کشاورزی | گسترش مزدبگیری  
سازمان اصلی | صنف | صنف + انجمن  
سازمان کارگری مدرن | بسیار محدود | نخستین نمونه‌ها  
اعتراض | شکایت، تعطیلی، بست | اعتصاب، انجمن، تجمع  
مطالبات | مالیات، قیمت، معاش | معاش + قانون + آزادی  
آگاهی سیاسی | محدود | گسترش‌یافته  
سوسیالیسم | بسیار محدود | ورود به ادبیات سیاسی  
صنعت | محدود | آغاز گسترش  
کارگر صنعتی | اقلیت کوچک | در حال شکل‌گیری  
نفت | از ۱۹۰۱ وارد مرحله جدید | در آستانه تبدیل‌شدن به صنعت استراتژیک  
تشکل مستقل | ضعیف | نخستین تجربه‌ها  
نقش بازار | بسیار مهم | یکی از پایه‌های بسیج  
نقش مطبوعات | رو به رشد | بسیار مهم  
نقش زنان | محدود اما رو به گسترش | انجمن‌ها و فعالیت سیاسی  
دست‌آورد اصلی | ایجاد زیرساخت اجتماعی | سیاسی‌شدن و سازمان‌یابی  
میراث برای آینده | صنف و تجربه اعتراض | اتحادیه، انجمن، اعتصاب و حق‌خواهی  
جمع‌بندی تبارشناسانه  
اگر بخواهیم تاریخ جنبش کارگری ایران را در یک خط ببینیم:  
دوره قاجار



صنف و بازار  
جنبش تنباکو  
اعتراض اقتصادی - اجتماعی  
انقلاب مشروطه  
قانون، مجلس و انجمن ↓  
۱۲۸۵-۱۲۹۰  
اتحادیه‌های اولیه و اعتصاب  
دهه‌های ۱۲۹۰ و ۱۳۰۰  
گسترش کار مزدبگیری و صنایع جدید  
دوره رضاشاه  
صنعتی‌شدن همراه با کنترل و سرکوب تشکل مستقل  
۱۳۲۰  
انفجار سازمان‌یابی کارگری  
دهه‌های بعد  
اتحادیه، سندیکا، حزب، شورا و اعتصاب  
گزاره نهایی این فصل  
«انقلاب مشروطه برای کارگران ایران نه پایان مبارزه، بلکه آغاز ورود سازمان‌یافته‌تر آنان به عرصه سیاست بود».  
و مهم‌تر از آن: کارگر ایرانی پیش از آنکه یک طبقه صنعتی بزرگ شود، تجربه کرد که چگونه می‌توان در قالب صنف، انجمن، اتحادیه و اعتصاب قدرت جمعی ایجاد کرد».  
همین تجربه تاریخی، یکی از پایه‌هایی بود که بعدها جنبش کارگری ایران بر روی آن بنا شد

**از مبارزه تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت  
حمایت و برای تحقق آن مبارزه کنیم!**

**تلاش حکومت برای کاهش حقوق بازنشستگی را محکوم و از مبارزه کارگران برای  
توقف آن حمایت کنیم!**



مقصر اصلی حوادث فزاینده کار و قربانیان آنها دولت است

صادق



حوادث کار و بیماری های شغلی به رغم وعده های داده شده مبنی بر مهار آن توسط مدیران ارشد تامین اجتماعی و وزرای کار بدون وقفه با شتابی روز افزون در حال رشد هستند.

اگر چه تنها گزارش برخی از حوادث شغلی در بعضی رسانه ها انتشار پیدا می کنند با این همه اما همین اندازه نیز هولناک هستند. هولناکتر آن که هیچ مسئولی نه مسئولیت این حجم از حوادث را به عهده می گیرد و نه قدمی برای جلوگیری از آنها می کند.

روشن است که این سکوت و بی مسئولیتی توانسته است نوعی بی تفاوتی در جامعه و حتی متاسفانه در میان خود کارگران بوجود بیاورد.

جان کارگر هیچگاه به اندازه امروز نازل و کم ارزش نبوده است. بعد از هر حادثه ای عده ای وجدان خود را با آه و ناله و اظهار تاسف های بی هزینه که ابراز می کنند آرام می کنند، گاهی هم مدیری وعده رسیدگی و مجازات خاطیان و کنترل بیشتر مراکز کاری را می دهد، اما بعد از چند روز، همه ی اینها به فراموشی سپرده می شود و نهایتا کارفرما با پرداخت دیه اندکی سر و ته قضیه را بهم می آورد و مصیبت آن برای خانواده های کارگران کشته شده باقی می ماند. متاسفانه خیلی از خانواده های کارگران بویژه آنهایی که در بخش ساختمان کار می کنند به دلیل نداشتن بیمه نان آوران خود تحت پوشش تامین اجتماعی هم قرار نمی گیرند .

مدیران دولتی خودشان می گویند و می نویسند که علت اکثر حوادث کار نبود وسایل ایمنی مناسب در محل های حادثه خیز رعایت نشدن قوانین و مقررات مرتبط با ایمنی و بهداشت محل های کار است و می افزایند بازرسی کافی برای بازرسی محل های کار در اختیار ندارند. اما وقتی حوادث در یک معدن یا کارخانه که قبلا بازرسی شده اند تکرار می شود معلوم میگردد که مشکل فراتر از کمبود بازرسی است.

آیا گر کارفرمایان متخلف بعد از هر حادثه ولو به قیمت جان گاه ها کارگر بدرستی محاکمه و مجازات می شدند، آیا شاهد رشد روز افزون چنین حوادثی می بودیم؟ پاسخ قطعا منفی است.



خسارت کشته شدن کارگر کم بهاست و خیال کارفرما های متخلف از بابت مجازات آنچنان آسوده است و سودی که از بابت تجهیز نکردن کارخانه یا معدن هایشان به وسایل ایمنی و حفاظتی می برند بیشتر از جان بهایی است که بابت کشته شدن کارگر می پردازند.

با این احوال اما مقصر اصلی کشته و مصدوم شدن هزاران کارگر در اثر حوادث شغلی دولت و بطور مشخص وزارت کار و دادگستری هستند که از مجازات متخلفین طفره می روند و نظارت تشکلهای مستقل کارگری در محل های کار را بر نمی تابند و جانب کارفرمایان متخلف را می گیرند. یک نمونه روشن و برجسته این جانبداری، موضعگیری وزیر کار به نفع صاحب معدن ذغال سنگی است که ده ها کارگر در جریان آن کشته شدند. میدری در حالی که هنوز کار بازرسان برای پیدا کردن علت فاجعه به اتمام نرسیده بود، در نهایت بی مسئولیتی با گفتن اینکه کارفرما مقصر نیست هم به کارشناسان خط و ربط داد که چگونه گزارشی را باید تهیه کنند و هم پیشا پیش خیال کارفرما را از بابت مجازات آسوده نمود. بعد از مدتی با اینکه تقصیر صاحب معدن معرض شد کارفرما باز هم مجازات نشد.

در رسانه ها البته بندرت گزارشی در مورد کارگرانی که در اثر رعایت نشدن بهداشت محل های کار و بویژه در واحد هایی که کارهای سخت و زیان آور در آنها انجام می گیرد به بیماریهای شغلی مبتلا می شوند انتشار پیدا می کند، از همین روی آمار رسمی در مورد آنها وجود ندارد، با این حال تعداد این گروه که خیلی هایشان حتی قبل از رسیدن به سن بازنشستگی فوت می کنند نباید کمتر از افرادی باشد که در اثر حوادث کشته می شوند.

جلوگیری کامل از حوادث کار البته کار بسیار دشواری است با این حال امکان کاهش آنها وجود دارد. یکی از راه کارهای کاهش تعداد حوادث کار و قربانیان آن وجود و نظارت سندیکاها و تشکلهای کارگری مستقل است. اما حکومت و کارفرمایان مانع از تشکیل و فعالیت آنها می شوند. در صورت پذیرفتن تشکلهای سندیکایی در واحد های تولیدی و خدماتی مشکل کمبود بازرسان هم رفع می شود.

راهکارهای دیگری مانند فشار به کارفرمایان برای تجهیز موسسات خود به وسایل ایمنی و بهداشتی و اجرای قانون و مجازات متخلفین متناسب با اثرات جرم نیز عواملی هستند که می توانند حوادث کار و قربانیان آنها کاهش دهند. اما مشکل این جاست که حکومت که خود حکومتی سرمایه داری و از خشنترین نوع آن است، ارزشی برای سلامت و جان کارگر و قانون قائل نیست و تا این سیستم حاکم است، انتظار نمی رود تحول مثبتی در روند حوادث کار رخ دهد، مگر اینکه کارگران بتوانند خود را در تشکلهای سندیکایی مستقل متحد و متشکل نمایند و تلاشهای خود را برای احیا و تقویت حقوق خود افزایش دهند

**چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!**

**کمیته های سازماندهی اعتراضات را در محل های کار و زندگی تشکیل دهیم!**



مطالبات و شعارهای بازنشستگان در تظاهرات یکشنبه ۱۵ شهریور در تهران

تهران (بازنشستگان تأمین اجتماعی، فرهنگی و مخابرات)

گرانی تورم، شکسته پشت مردم

هم‌صدا هم‌پیمان، علیه حکم اعدام

نان گران دارو گران، دولت شده دشمن جان

تا لغو حکم اعدام، ایستاده‌ایم تا پایان

تجمع تشکل حق ماست

درمان رایگان حق ماست

لغو اعدام حق ماست

ما از جنگ بیزاریم، معیشت هم نداریم

تداوم اعتراضات هفتگی بازنشستگان در شهرهای مختلف

اعتراضات هفتگی بازنشستگان تأمین اجتماعی یکشنبه ۱۵ شهریور در شهرهای مختلف با مشارکت بازنشستگان فرهنگی در آنها برگزار شد. بازنشستگان خشمگین از افزایش همه‌روزه قیمت‌ها و هزینه‌های دارو علیه عوامل گرانی‌ها آن را محکوم کردند و خواستار افزایش و پرداخت به موقع و منظم مستمری‌ها و معوقات، درمان رایگان، پرداخت بدهی‌های نجومی دولت به تأمین اجتماعی شده و مخالفت خود را با فروش اموال زیر مجموعه شیستا که متعلق به تأمین اجتماعی است اعلام نموده و بر توقف آن تأکید کردند





اتحادیه‌های کارگری کالیفرنیا نسبت به پیامدهای گسترش سریع هوش مصنوعی و اتوماسیون بر آینده اشتغال و حقوق نیروی کار هشدار دادند.

رهبران کارگری روز جمعه در سان‌فرانسیسکو گرد هم آمدند و از گاوین نیوسام، فرماندار کالیفرنیا، خواستند ۹ مصوبه حمایتی مصوب قانون‌گذاران را که برای تنظیم استفاده از هوش مصنوعی در محیط کار طراحی شده، امضا کند.

به باور فعالان کارگری، شرکت‌ها بدون وجود مقررات الزام‌آور از هوش مصنوعی برای جایگزینی نیروی انسانی، افزایش نظارت ارزیابی‌کننده و حتی ارزیابی صلاحیت کاری جهت استخدام، اخراج و تنبیه کارگران بهره می‌برند.

هوش مصنوعی؛ ابزار سرکوب روان و نقض حریم خصوصی نیروی کار

نگرانی اتحادیه‌ها تنها به حذف مشاغل محدود نمی‌شود. ابزارهای الگوریتمی همین حالا نیز با ارزیابی لحظه‌ای رفتار کارکنان، فشار روانی بی‌سابقه‌ای بر فرودستان وارد می‌کنند و ارزیابی انسانی را کنار می‌زنند.

نیکول پیلین، کارمند باسابقه بخش پاسخگویی تلفنی یکی از بیمارستان‌های بزرگ، نمونه‌ای عینی از این استثمار مدرن است. بیمارستان محل کار او از نرم‌افزار «تشخیص احساسات» برای پایش تعاملاتش با بیماران استفاده می‌کند.

پیلین می‌گوید این نرم‌افزار حین مکالمات حساس و اورژانسی با بیماران، پیام‌های هشدار بابت عدم «همدلی عاطفی» روی صفحه نمایش می‌دهد؛ رویکردی که تمرکز او را بر سلامت بیماران مختل می‌کند و کاملاً تبعیض‌آمیز است.

استفاده کارفرمایان از فناوری برای تعدیل و ارزان‌سازی نیروی کار

تجربه کارگرانی مانند پیلین نشان می‌دهد ورود کنترل‌نشده فناوری، مستقیم حقوق پایه نیروی کار را هدف می‌گیرد. پیتز فین، از رهبران «اتحادیه بزرگ کارگران و حمل‌ونقل آمریکا» (تیمسترز)، تأکید می‌کند شرکت‌های بزرگ فناوری هوش مصنوعی را با هدف اتوماسیون و کنار گذاشتن کارگران عرضه می‌کنند.



در همین راستا، استیو زلتزر در تجمعی با عنوان «توقف هوش مصنوعی» مقابل بیمارستان «کایزر پرمنته» در سانفرانسیسکو، وضعیت فعلی را یک بحران موجودیتی برای طبقه کارگر خواند و خواستار توقف این روند شد.

دیدگاه سرمایه‌محور: ضرورت انطباق کارگران با شرایط جدید

در سوی دیگر، برخی کارشناسان بازار کار نگاه متفاوتی دارند. مایکل برنیک، رئیس پیشین اداره توسعه اشتغال کالیفرنیا، معتقد است کارگران باید به جای نگرانی، مهارت‌های خود را افزایش دهند.

او با اشاره به سرعت بی‌سابقه نفوذ هوش مصنوعی می‌گوید داده‌های چند ماه گذشته هنوز موج عظیمی از نابودی مشاغل در کالیفرنیا را نشان نمی‌دهند. با این حال، اتحادیه‌ها پاسخ می‌دهند که سیاست‌گذاران نباید منتظر وقوع فاجعه و بیکاری گسترده بمانند.

ضرورت حفظ نظارت انسانی و دفاع از حق اعتراض کارگر

این ۹ لایحه حمایتی اکنون روی میز فرماندار کالیفرنیا قرار دارد و برای تبدیل شدن به قانون تنها نیازمند امضای اوست.

لورنا گونزالس، رئیس فدراسیون کار کالیفرنیا (AFL-CIO)، با تأکید بر لزوم ممنوعیت اخراج یا تنبیه کارگران توسط «رؤسای هوش مصنوعی»، بر یکی از اصلی‌ترین حقوق کار متمرکز شده است: حق برخورداری از نظارت انسانی، اطلاع از علت تصمیمات اداری و امکان اعتراض قانونی.

اگر الگوریتم‌ها بدون نظارت انسانی درباره ادامه اشتغال تصمیم بگیرند، حق اعتراض کارگر عملاً سلب می‌شود. فرماندار کالیفرنیا تا ۳۰ سپتامبر فرصت دارد این لوایح حیاتی را امضا یا وتو کند؛ تصمیمی که مرز میان فناوری خادم انسانیت و استثمار نوین کارگران را مشخص خواهد کرد.



بحران معیشت در پروژه قطار شهری اهواز/ کارگر نگهبان دست به خودسوزی زد

صبح امروز یکشنبه یکی از کارگران شاغل در پروژه قطار شهری اهواز در پی اخراج ناگهانی و مطالبات مزدی معوقه، در مقابل ساختمان شهرداری مرکزی اهواز اقدام به خودسوزی کرد که با مداخله همکارانش از مرگ نجات یافت.



به گزارش ایلنا، حوالی ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه (۱۵ شهریور ماه)، یک کارگر حدوداً ۴۰ ساله که به عنوان نیروی نگهبانی در پروژه قطار شهری اهواز مشغول به کار بود، در واکنش به وضعیت بحرانی معیشت و اخراج از محل کار، اقدام به خودسوزی در مقابل ساختمان شهرداری مرکزی اهواز کرد.

منابع کارگری ایلنا در تشریح این حادثه می‌گویند: این کارگر که دارای ۱۷ سال سابقه کار در بخش نگهبانی این پروژه است، به همراه سایر همکارانش به دلیل ۵ ماه حقوق معوقه، روز گذشته در مقابل ساختمان شهرداری مرکزی اهواز تجمع کرده بودند. با این حال، پس از بازگشت به محل کار، وی و چهار نفر از همکارانش با حکم اخراج از سوی پیمانکار مواجه شدند.

بنا بر این گزارش، این کارگر صبح امروز برای پیگیری وضعیت شغلی و مطالبات انباشته شده خود، به همراه سایر کارگران اخراجی مجدداً به ساختمان شهرداری مراجعه کرد، اما با عدم پاسخگویی مسئولان مربوطه، در اقدامی ناامیدانه با ریختن بنزین اقدام به خودسوزی کرد که خوشبختانه با دخالت سریع کارگران و افراد حاضر در محل، با استفاده از کپسول آتش نشانی از وقوع یک فاجعه انسانی جلوگیری شد.

همکاران این کارگر به خبرنگار ایلنا گفتند: «این همکار ما که هم اکنون در بیمارستان طالقانی اهواز با سوختگی از ناحیه شکم بستری است، سرپرست خانوار است و دو فرزند دارد. او با ۱۷ سال سابقه کار در بخش نگهبانی پروژه، در تمام این سال‌ها با تأخیرهای مکرر در پرداخت حقوق مواجه بوده است. ۵ ماه حقوق معوقه، او را در شرایط بسیار سخت معیشتی قرار داده بود و اخراج ناگهانی، تنها راه ارتزاق خانواده‌اش را نیز مسدود می‌کند.»

تکرار حوادث ناشی از فشارهای روانی و معیشتی در میان کارگران، نشان‌دهنده عمق مشکلات مالی پیمانکاری در پروژه‌های بزرگ شهری است. کارگران پروژه قطار شهری اهواز اکنون خواستار رسیدگی فوری مسئولان شهرداری و نهادهای بالادستی به وضعیت مطالبات قانونی خود و بازگشت به کار همکاران اخراجی‌شان هستند.



تجمع معلمان شاغل و بازنشسته مقابل سازمان برنامه و بودجه / حقوق‌مان کافی نیست  
روز (پانزدهم شهریور) جمعی از معلمان در تهران مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند..



آن‌ها می‌گویند: متن صریح قانون مدیریت خدمات کشوری اجرایی نمی‌شود و حقوق‌مان بسیار پایین‌تر از میزان قانونی‌ست.

یکی از این معلمان گفت: معلم با حقوقی که می‌گیرد، نصف ماه هم تاب نمی‌آورد.

معلمان خواسته‌های خود را اینگونه عنوان کردند: افزایش حقوق پایه معلمان متناسب با خط فقر و نرخ واقعی تورم؛ اجرای دقیق و کامل قانون رتبه‌بندی معلمان و پرداخت فوری تمام معوقات مزدی و تأمین بیمه کارآمد و بهبود خدمات درمانی و رفاهی.



تداوم اعتراضات هفتگی بازنشستگان مخابرات

بازنشستگان مخابرات در چند استان از جمله اصفهان و کرمانشاه تجمع کردند و خواستار اجرای مطالبات قانونی و بهبود وضعیت معیشتی و درمانی خود شدند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، دوشنبه ۱۶ شهریور، بازنشستگان مخابرات در ادامه تجمعات اعتراضی خود، در استان‌های مختلف از جمله اصفهان و کرمانشاه تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مطالبات قانونی، صنفی و معیشتی خود شدند.

اجرای آیین‌نامه ۲۴/۸۹، اجرای رأی شماره ۹۲۳۵ دیوان عدالت اداری و اجرای متناسب‌سازی عادلانه حقوق، از مهم‌ترین مطالبات بازنشستگان مخابرات در تجمعات اخیر است.

برقراری بیمه تکمیلی با سرانه ۲۰ درصد نیز از دیگر خواسته‌های بازنشستگان است؛ مطالبه‌ای که در کنار مطالبات حقوقی و معیشتی، در تجمعات هفتگی این گروه در شهرهای مختلف کشور مطرح می‌شود.

بازنشستگان مخابرات همچنین در تجمعات هفتگی خود نسبت به عملکرد سهامداران اعتراض دارند و خواستار پاسخگویی و تعیین تکلیف مطالبات خود هستند.



افزایش دستمزد در آمریکا بعد از رشد شدید تعداد اعضای سندیکاها

افزایش بیش از ۴۱۱ هزار نفری اعضای اتحادیه‌های کارگری در آمریکا طی یک سال گذشته، بالاترین جهش سازمان‌یابی نیروی کار را از سال ۲۰۰۸ به ثبت رساند و باعث افزایش دستمزدها شده است.

**متحد و متشکل علیه سیاستهای ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!**

**از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!**

**مبارزه برای آزادی زندانیان مدنی و سیاسی و لغو قانون اعدام را تشدید کنیم!**

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomyterm/457>